

روابط ساختاری عامل‌های شخصیت با طلاق عاطفی:

بررسی نقش میانجی دزدگی زناشویی

محمد رضا پیام^۱

مجید محمودعلیلو^{۲*}

مرضیه علیوندی وفا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

چکیده

ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل مؤثر در بروز یا تداوم طلاق عاطفی و دزدگی زناشویی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر مدلیابی ساختاری طلاق عاطفی براساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری دزدگی زناشویی می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه متقاضیان طلاق کلانشهر تبریز می‌باشد. تعداد ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن، پرسشنامه عامل‌های شخصیت و مقیاس دزدگی زناشویی در آنها اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و LISREL نسخه ۸/۸۰ تحلیل گردید. نتایج نشان داد بعد برون‌گرایی با طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار و بعد روان‌رنجور خوبی، گشودگی در برابر تجربه و وظیفه‌شناسی با طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار دارد اما بعد توافق‌پذیری با طلاق عاطفی رابطه معنادار ندارد. از طرف دیگر، بعد روان‌رنجور خوبی با دزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار و بعد گشودگی در برابر تجربه و توافق‌پذیری با دزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار دارد اما بعد برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با دزدگی زناشویی رابطه معنادار ندارد ($P < 0/01$). نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که صفات شخصیتی بر طلاق عاطفی و دزدگی زناشویی نقش مؤثری دارند ($P < 0/01$). نتایج مدل معادلات ساختاری مدل قابل قبولی را نشان داد. با توجه به

۱ دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

m.r_payam@yahoo.com

۲ استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) m-alilou@tabriz.ac.ir

۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. dr.vafa.a@gmail.com

افزایش طلاق عاطفی می‌توان برنامه‌ای تدوین کرد تا با کمک آن بتوان صفات شخصیتی پاتولوژیک را قبل از شکل‌گیری و تثبیت این صفات جهت‌دهی یا اصلاح نمود.

کلیدواژه‌ها: دلزدگی زناشویی، عامل‌های شخصیت، طلاق عاطفی

مقدمه

مطالعه ویژگی‌های شخصیتی در رابطه با طلاق عاطفی^۱ در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده‌است. در هر جامعه‌ای که صحبت از اعتماد است، امکان قطع و از هم گسستن آن نیز ممکن است باشد. اگر ازدواج را قراردادی بین یک زوج برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد همواره پابرجا نبوده و امکان فسخ آن به دلایلی وجود خواهد داشت (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۱). طلاق یک واقعه نیست، بلکه فرآیندی است که با بروز دلایلی طی زمان شکل می‌گیرد و سرانجام به جدایی ختم می‌شود. طلاق را می‌توان از منظرهای گوناگون اعتقادی، قانونی، فرهنگی ... مورد بررسی قرار داد، ولی آنچه همواره به عنوان طلاق مطرح بوده‌است، جدایی زن از شوهر یا جدایی زوجین از زندگی مشترک و فسخ عقد است. اخیراً با توجه به تزلزل در ارزش‌ها و تغییر هنجارهای اجتماعی که باعث تغییر در نگرش‌ها، انتظارات و توقعات شده و به دلیل تغییراتی که در ساختار و روابط بین زوجین پدید آمده، با تقسیم‌بندی جدیدی مواجهیم که طلاق را به دو نوع رسمی و عاطفی (خاموش) تفکیک می‌کند. در طلاق رسمی، زن و مرد با مراجعه به دادگاه به طور قانونی از یکدیگر جدا شده و هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند، اما طلاق عاطفی به گونه‌ای دیگر در زندگی زوجین به وجود می‌آید (بوهانان^۲، ۱۹۷۰). طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم گسستگی ساختار و بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است و موجب از هم پاشیدگی عاطفی خانواده می‌شود. در این نوع خانواده، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین نیست و یا بسیار کم است. این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد، اما مهمترین نوع طلاقی است که زوجین و کودکان زیادی از آن رنج می‌برند. در چنین خانواده‌هایی به دلایل متعدد، تنش روانی حکمفرماست (گاتمن^۳، ۱۹۹۹).

در تبیین طلاق عاطفی رویکردهای مختلفی ارائه گردیده‌است که هر کدام با توجه به رویکردهای روانشناسانه نظریه‌پردازان سعی در توجیه و تبیین پدیده طلاق عاطفی نموده‌اند، به عنوان مثال نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت^۴، صفات شخصیتی بزرگسالان را مطرح می‌کند و تبیین می‌کند

۱ Emotional divorce

۲ Bohannon

۳ Gottman

۴ Big Five personality traits

اگر بین صفات شخصیت تعاملات معیوبی وجود داشته باشد زمینه برای ورود به مراحل طلاق- عاطفی و جدایی فراهم می‌آورد.

شخصیت یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند در کیفیت زندگی زوجین و به تبع آن رضایت یا عدم رضایت زناشویی و طلاق عاطفی آنها نقش اساسی داشته باشد. شخصیت افراد یکی از عوامل فردی مهم و تعیین کننده است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. شخصیت الگوی اختصاصی و متمایز هیجان و رفتار است که بر شیوه تعامل فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی خود اثر دارد. برای توصیف شخصیت هر فرد معمولاً به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره می‌شود (دهقانی و اسماعیلیان، ۱۳۹۵).

یک رویکرد معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی، مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. برون‌گرایی^۱، توافق‌پذیری^۲، وظیفه‌شناسی^۳، روان‌رنجوری^۴ و گشودگی در برابر تجربه^۵ ابعاد اصلی مدل پنج گانه شخصیت می‌باشند (ترول و ویدیکر، ۲۰۱۳). در این طبقه‌بندی، افرادی که دارای ویژگی عواطف مثبت یا برون‌گرایی هستند، افرادی سرزنده، پرجنب و جوش و اجتماعی می‌باشند. افراد بسیار عصبی یا روان‌رنجور یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می‌باشند. افراد با ویژگی وظیفه‌شناسی بالا، افرادی مسئولیت‌پذیر، متمرکز و سازمان‌یافته هستند. افراد موافقت‌پذیر، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی در برابر تجربه ویژگی افراد مبتکر و خلاق می‌باشد (مک کری^۶ و کاستا^۷، ۱۹۸۷). پژوهش‌های فراوان نشان داده‌اند که انسان‌ها گرایش به انتخاب همسری شبیه به خود را دارند و ویژگی‌های شخصیتی هر فردی را به سمت انتخاب فرد خاصی سوق می‌دهد (مید^۸، ۲۰۰۵). در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایت زناشویی (عبدالله زاده، ۱۳۸۲) نتایج زیر حاصل شد: بین ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. پژوهش واتسون^۹، هوبارد^{۱۰}، وایسی^{۱۱} (۲۰۰۰) نشان داد که گشودگی در برابر

۱ Extraversion

۲ Agreeableness

۳ Conscientiousness

۴ Neuroticism

۵ Openness to experience

۶ McCrae

۷ Costa

۸ Mead

۹ Watson

۱۰ Hubbard

۱۱ Wiese

تجربه و وظیفه شناسی با رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت دارد. دونالد^۱، کونگر^۲ و برانت^۳ (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافتند که روان‌رنجوری همبستگی مثبت با تعاملات منفی دارد و توافق پذیری و گشودگی در برابر تجربه همبستگی منفی با تعاملات منفی دارند. بطور کلی، پژوهش‌های فوق حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی در برابر تجربه با طلاق عاطفی رابطه دارند. نتایج پژوهش بالاگری و حسینی (۱۳۹۸) و ابراهیمی و حیدری (۱۳۹۹) بیانگر آن بود که ابعاد شخصیتی در پیش بینی طلاق عاطفی نقش بسزایی دارد.

یکی دیگر از مهمترین علت‌هایی که تأثیر بسزایی بر طلاق عاطفی دارد، دلزدگی زناشویی^۴ است. هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی اش روابط زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه او نیز حفظ و تداوم این رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن و شوهر یا هر دوی آنها نسبت به عمق و شکل روابط شان دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زناشویی شان هماهنگی لازم را نمی‌بینند، ممکن است دچار سرخوردگی و دلزدگی زناشویی شوند. دلزدگی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رویایی به زندگی شان معنا ببخشد. این حالت زمانی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان در ایجاد روابط صمیمی و دوستانه، این روابط به زندگی شان معنا نخواهد داد. بعبارت دیگر، دلزدگی از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود (پاینز^۵، ۲۰۰۲). با جمع بندی مطالب گفته شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تاکنون سازه‌های نظری مختلفی در خصوص عوامل زمینه ساز مربوط به مشکلات رفتاری و شخصیتی در متقاضیان طلاق بررسی و تحقیق شده‌است؛ اما تعداد کمی از آنها در قالب مدلی واحد که گویای روابط متقابل این سازه‌ها با همدیگر است، آمده‌است. بنابراین با توجه به مطالب مذکور، هدف پژوهش حاضر، بررسی روابط ساختاری عامل‌های شخصیت در متقاضیان طلاق با طلاق عاطفی با واسطه دلزدگی زناشویی بود.

ابزار و روش

روش این پژوهش توصیفی از نوع تحلیلی بود که در قالب مدل یابی معادلات ساختاری ارائه شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کل متقاضیان و مراجعان به دادگستری طلاق کلانشهر تبریز

۱ Donnellan

۲ Conger

۳ Bryant

۴ Couple burnout

۵ Pines

تشکیل داده‌است. هوپل^۱ (۱۹۹۵) و لوتلین^۲ (۲۰۰۴) تأکید کردند که برای استفاده از روش مدل یابی ساختاری حجم نمونه حداقل باید صد نفر باشد و حجم مطلوب نمونه برابر با دوپست نفر است. در پژوهش حاضر، طبق دیدگاه هوپل (۱۹۹۵) و لوتلین (۲۰۰۴)، برای دستیابی به نتایجی پذیرفتنی و با در نظر گرفتن این احتمال که بسیاری از پرسشنامه‌ها بصورت ناقص جواب داده شوند، تصمیم بر آن شد تا نمونه‌ای برابر با ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شود. از این تعداد، پرسشنامه‌های ۵۰ نفر از شرکت‌کنندگان پژوهش حذف شد. در تحلیل نهایی اطلاعات پرسشنامه‌های ۲۵۰ آزمودنی وارد نرم افزار SPSS شد.

برای جمع آوری داده‌ها از سه مقیاس خودگزارشی دهی طلاق عاطفی گاتمن^۳، پرسشنامه عامل‌های بزرگ شخصیت (NEO) و مقیاس دلزذگی زناشویی^۴ (CBM) استفاده گردیده‌است.

مقیاس طلاق عاطفی گاتمن

مقیاس طلاق عاطفی که توسط گاتمن و سیلور (۱۹۹۵) تدوین شده‌است، برای نخستین بار توسط جزایری (۱۳۸۷) در ایران ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد که ۲۴ ماده دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز ۱ و پاسخ خیر ۰ می‌گیرد. پس از جمع عبارات با یکدیگر، حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس به ترتیب ۰ و ۲۴ است؛ بدین صورت که در نمره بین ۰ تا ۸ احتمال جدایی در زندگی ضعیف است. در نمره بین ۸ تا ۱۶ احتمال جدایی متوسط و در نمره بالاتر از ۱۶ احتمال جدایی بالا است؛ بنابراین نمرات بالا در این مقیاس نشان می‌دهد که احتمال طلاق عاطفی بیشتر است (گاتمن و سیلور، ۱۳۸۷). در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده‌است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ بدست آمد (مامی و عسگری، ۱۳۹۳؛ به نقل از سودانی، کریمی و شیرالی نیا، ۱۳۹۵). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده‌است.

پرسشنامه عامل‌های شخصیت

این پرسشنامه در ابتدا با ۱۸۵ سؤال در سال ۱۹۸۵ توسط مک کری و کاستا تهیه شد. بعد از آن براساس همین پرسشنامه فرم‌های ۲۴۰ و ۶۰ ماده‌ای آن نیز به وسیله همین پژوهشگران ساخته شد (خوش کنش، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر از فرم ۶۰ سؤالی آن که پنج عامل روان‌رنجوری،

۱ Hoyle

۲ Loehlin

۳ Gottman Emotional Divorce Scale

۴ Couple burnout questionnaire

برون‌گرایی، گشودگی در برابر تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را می‌سنجد، استفاده خواهد شد. در این فرم برای هر عامل ۱۲ گویه وجود دارد و برای هر گویه طیف لیکرت درجه بندی شده پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) در نظر گرفته شده‌است و گویه‌ها از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شوند. نمره هر عامل می‌تواند بین صفر تا ۴۸ باشد. این آزمون در سال ۱۳۸۱ توسط کیامهر در بین دانشجویان دانشگاه تهران، حق‌شناس (۱۳۷۸) در بین دانشجویان دانشگاه شیراز و گروسی فرشی (۱۳۸۰) در بین دانشجویان دانشگاه تبریز مطالعه و اعتباریابی شد. کیامهر (۱۳۸۱) پس از هنجاریابی این آزمون در دانشجویان علوم انسانی دانشگاه تهران پایایی این آزمون را با روش بازآزمایی (اجرای مجدد روی ۳۳۶ نفر) برای پنج عامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی در برابر تجربه، موافقت‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۶۵ و ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ را برای این عوامل به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸ و ۰/۷۷ گزارش کرده‌است.

مقیاس دلزدگی زناشویی

به منظور اندازه‌گیری میزان دلزدگی زناشویی زوجین از مقیاس ۲۱ سؤالی دلزدگی زناشویی پاینز استفاده شده‌است. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان‌دهنده دلزدگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین نمره، ۲۱ می‌باشد. این مقیاس دارای سه مؤلفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. خستگی عاطفی را با سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، خستگی روانی را با سؤال‌های ۳، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۸ و ۱۹ و خستگی جسمی را با سؤال‌های ۱، ۴، ۷، ۱۰ و ۱۶ در طیف لیکرت از هرگز = ۱ تا همیشه = ۷ ارزیابی می‌شود (پاینز، ۱۳۸۱). برای اولین بار در ایران توسط شاداب (۱۳۸۱) ترجمه شده‌است. خرده‌مقیاس خستگی جسمی دارای ۶ سؤال، خرده‌مقیاس خستگی روانی دارای ۷ سؤال و خرده‌مقیاس خستگی عاطفی دارای ۸ سؤال می‌باشد. همچنین، نویدی (۱۳۸۴) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ در مورد ۲۴۰ نمونه ۰/۸۶؛ و ضریب پایایی به روش بازآزمایی را در فواصل یک، دو و چهار ماه ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ درصد گزارش کرده‌است.

در این راستا، داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در آمار توصیفی، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، داده‌ها در قالب میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین آنها ارائه شد. در آمار استنباطی، با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و LISREL فرضیه‌ها و سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از هماهنگی با مسئولان دادگستری تبریز، ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری دردسترس و با توجه به تکمیل کامل و همراه با دقت پرسشنامه‌های پژوهش، بعنوان نمونه وارد پژوهش شدند. سپس فرم رضایت اخلاقی شرکت در پژوهش در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و به آنان اعلام شد که شرکت در پژوهش اختیاری است؛ همچنین به آنها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند و فقط نتایج آن چاپ خواهد شد؛

بنابراین از آزمودنی‌ها درخواست شد تا در صورت صلاحدید فرم را تکمیل کنند. سپس آنها به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند.

یافته‌ها

مجموع افراد شرکت کننده در این پژوهش دویست و پنجاه نفر بودند، که ۱۲۲ نفر مرد (۴۸/۸٪) و ۱۲۸ نفر زن (۵۱/۲٪) تشکیل داده بودند. همچنین، میانگین سنی و انحراف معیار سن مردان به ترتیب برابر ۲۷/۷۰ و ۳/۰۸ و میانگین سنی و انحراف معیار سن زنان به ترتیب برابر ۲۶/۵۹ و ۳/۲۴ بود. در کنار یافته‌های جمعیت شناختی، با هدف تحلیل استنباطی داده‌ها ابتدا پیش فرض‌های مرتبط با آمار پارامتری و آزمون‌های مرتبط با برازش مدل بررسی شد. نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
روان رنجور خوبی	۳۰/۹۶	۷/۷۲	۰/۲۲۱	-۰/۷۰۳
برون گرایی	۳۸/۲۴	۸/۶۱	-۰/۲۲۸	-۰/۷۶۱
گشودگی در برابر تجربه	۴۱/۶۲	۶/۱۶	-۰/۱۵۸	-۰/۵۹۹
توافق پذیری	۳۸/۸۱	۷/۲۵	-۰/۳۹۵	-۰/۳۰۱
وظیفه شناسی	۴۴/۱۸	۸/۳۷	-۰/۶۸۸	-۰/۰۴۷
دلزدگی زناشویی	۶۷/۸۸	۲۰/۰۴	۱/۲۰۶	۱/۹۹۵
طلاق عاطفی	۵/۷۱	۳/۴۴	۰/۵۲۵	-۰/۱۹۰

با توجه به نتایج جدول ۱، پیش فرض نرمال بودن داده‌ها رد نشد؛ بنابراین داده‌ها برای تحلیل همبستگی دومتغیری پیرسون و معادلات ساختاری قابل استفاده بود.

جدول ۲. نتایج آزمون

ن ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	روان رنجور خوبی	برون گرایی	گشودگی در برابر تجربه	توافق پذیری	وظیفه شناسی	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی
روان رنجور خوبی	۱						
برون گرایی	۱	۱					
گشودگی در برابر تجربه	۱	۰/۰۴۰	۱				
توافق پذیری	۱	۰/۳۳۵*	۰/۱۴۱*	۱			
وظیفه شناسی	۱	۰/۳۷۶*	۰/۴۱۴*	۰/۰۶۴	۱		
دلزدگی زناشویی	۱	۰/۰۷۹	۰/۰۴۰	۰/۱۳۰*	۰/۱۳۰*	۱	
طلاق عاطفی	۱	۰/۵۳۸*	۰/۰۴۰	۰/۱۳۰*	۰/۱۳۰*	۰/۱۳۰*	۱

زن و مطالعات خانواده - شماره ۶۲ - زمستان ۱۳۹۰

دلزدگی	۰/۳۷۶*	-۰/۳۱۸*	-۰/۳۱۷*	-۰/۴۷۳*	-۰/۰۹۱	۱
زناشویی						
طلاق عاطفی	۰/۳۰۱*	-۰/۱۷۲*	-۰/۲۰۵*	-۰/۱۳۹*	-۰/۲۶۶	۱

*P<0/01

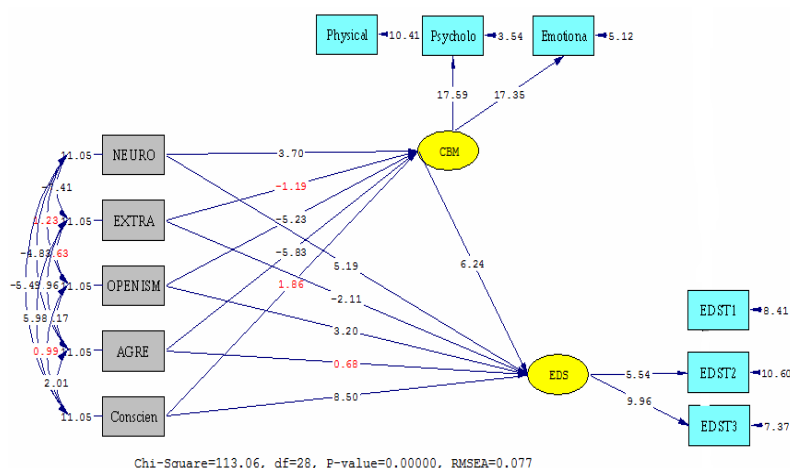
با بررسی ضریب همبستگی دومتغیری می توان گفت که بین عامل های شخصیت و دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی همبستگی معناداری وجود دارد. براساس جدول ۲، میان بعد شخصیتی روان رنجوری با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییر مثبت و معناداری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش روان رنجوری، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی افزایش می یابد و با کاهش آن نیز کاهش می یابد. همچنین، میان بعد شخصیتی برون گرایی، گشودگی در برابر تجربه و توافق پذیری با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییر منفی و معناداری وجود داشت؛ یعنی با افزایش برون گرایی، گشودگی در برابر تجربه و توافق پذیری دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی کاهش می یابد و با کاهش آنها نیز افزایش می یابد. بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییر مثبت و معناداری وجود داشت. در کنار بررسی همبستگی های دومتغیری که امکان استنباط سطحی از یافته های پژوهش را ممکن می کند، با هدف آزمون برازش مدل از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص های برازش مربوط به تحلیل مدل عامل های شخصیت

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	مقدار
خی دو (χ^2)	-	۱۱۳/۰۶
درجه آزادی (df)	-	۲۸
نسبت خی دو به درجه آزادی	کمتر از ۵	۴/۰۳
شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۰
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۱
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۷
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR)	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۵

با بررسی شاخص های برازش مدل می توان دریافت، مجذور خی که حاصل نسبت χ^2 بر df است، در آستانه پذیرفتنی قرار دارد و همپوشی بین مدل نظری و داده های پژوهش را نشان می دهد. با این حال، با توجه به تأثیرپذیری این شاخص از حجم نمونه از سایر شاخص ها استفاده شد. بررسی سایر شاخص ها در جدول مشخص می کند که از میان آنها ریشه میانگین خطای برآورد

(RMSEA) ۰/۰۷۷، شاخص برازش مقایسه ای (CFI) ۰/۹۲، برازندگی نرم شده (NFI) ۰/۹۰ و شاخص نکویی برازش (GFI) ۰/۹۱ در حد مجاز و پذیرفتنی است. با توجه به اینکه تمامی شاخص های برازش در دامنه مجاز بودند، می توان گفت که داده های گردآوری شده با مدل پیشنهادی پژوهش تناسب داشتند. بنابراین مدل پیشنهادی از حمایت برخوردار بود و تایید شد.



شکل ۱: مدل برازش شده با معادلات ساختاری براساس ضرایب استاندارد شده

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط میانجی گری از آزمون بوت استرپ استفاده شد. بوت استرپ قدرتمندترین و منطقی ترین روش را برای ارزیابی اثرات غیر مستقیم فراهم می آورد. ارزیابی معناداری این روابط را می توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به سطوح معناداری و روش دوم با بررسی فاصله های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مسیر واسطه ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح $p > 0/05$ معنادار است. جدول ۴ نتایج آزمون بوت استرپ را گزارش کرده است.

جدول ۴. نتایج آزمون بوت استرپ برای اثرات واسطه ای

متغیر مستقل	متغیر واسطه ای	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین	دامنه بالایی	سطح معناداری	تایید یا رد فرضیه
روان رنجوری	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	۰/۱۲۵	۰/۰۱۷	۰/۰۹۴	۰/۱۶۵	۰/۰۱۲	تایید
برون گرایی	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	-۰/۰۴۰	۰/۰۲۱	-۰/۰۲۵	۰/۰۷۲	۰/۵۱۷	رد

مدل و نتایج آن

زن و مطالعات خانواده - شماره ۶۲ - زمستان ۱۳۹۰

تایید	۰/۰۰۳	۰/۲۰۳	۰/۱۰۴	۰/۰۱۳	-۰/۱۴۵	طلاق عاطفی	دلزدگی زناشویی	گشودگی در برابر تجربه
تایید	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	۰/۱۲۶	۰/۰۱۵	-۰/۱۷۵	طلاق عاطفی	دلزدگی زناشویی	توافق پذیری
رد	۰/۲۰۱	۰/۰۸۰	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۸	۰/۰۵۵	طلاق عاطفی	دلزدگی زناشویی	وظیفه شناسی

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مسیر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، گشودگی در برابر تجربه و توافق پذیری به طلاق عاطفی با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۱۲۵، -۰/۱۴۵ و -۰/۱۷۵ در سطح $p > ۰/۰۵$ معنادار است. بعلاوه، با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ، ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، گشودگی در برابر تجربه و توافق پذیری با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی اثر معناداری بر طلاق عاطفی دارد. در حالی که، مسیر ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی به طلاق عاطفی با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی با ضریب استاندارد -۰/۰۴۰ و ۰/۰۵۵ در سطح $p > ۰/۰۵$ معنادار نیست. بنابراین، با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ، ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با واسطه‌گری دلزدگی زناشویی اثر معناداری بر طلاق عاطفی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی روابط ساختاری عامل‌های شخصیت بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی بود. یافته‌های مربوط به مسیرهای مستقیم نشان می‌دهد که صفت شخصیتی برون‌گرایی با طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار و صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی، گشودگی در برابر تجربه و وظیفه‌شناسی با طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های احدی (۱۳۸۶)، اسپانگلر و پالریچا (۲۰۰۴)، جاویس (۲۰۰۶)، شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰)، نصوحیان (۱۳۹۱)، امانی، عیسی نژاد و عزیزی (۱۳۹۴)، امیدوار، جوکار و پاکیزه (۱۳۹۴)، مراد زاده خراسانی و خادمی (۱۳۹۴)، یانگ، جویت و چان (۲۰۱۵) و ابراهیمی و حیدری (۱۳۹۹) همخوان و همسو می‌باشد. همچنین، در این پژوهش صفت شخصیتی توافق‌پذیری با طلاق عاطفی رابطه معناداری نداشت، که این یافته با نتایج یافته‌های پیشین همخوان و همسو نمی‌باشد.

در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت، مسئله‌ای که در تعاملات زوجین از اهمیت بسزایی برخوردار است اشاره دارد به عامل ساختار شخصیتی هر یک از زوجین که موجب سازگاری و رضایت زناشویی در روابط زوجی می‌شود. صفات شخصیتی افراد در رابطه با وقایع در زندگی زوجین بسیار تأثیرگذار است. شخصیت انسان علاوه بر تأثیر مستقیم بر رضایتمندی از روابط زناشویی، از طریق واکنش‌های احساسی نسبت به وقایع زندگی می‌تواند تأثیرگذار باشد. بر پایه این امر رابطه

زناشویی لازم است براساس محبت، همکاری، همدردی، تفاهم، گذشت، فداکاری متقابل و زندگی مشترک زن و شوهر استوار باشد. مفهوم زندگی زناشویی با توجه به حفظ نسبی استقلال شخصیت زن و شوهر و فراهم ساختن امکان رشد و تعالی بعدی و ارضای نیازمندی های مشروع و متقابل هر یک از آنها تکوین یافته است. دور شدن از این مفهوم و عدم توجه به هدف های اساسی زناشویی متناسب با شرایط و مقتضیات زندگی اجتماعی، سبب فراوانی زناشویی های سست و نابسامان و در نهایت طلاق می شود. بر همین مبنا یکی از ویژگی های ازدواج های موفق و طولانی مدت وجود شناخت ساختار شخصیت هر یک از زوجین می باشد. شخصیت هر یک از زوجین، فراگیرترین مفهوم روانشناختی است که بر تمام کارکردهای افراد در تعامل با یکدیگر تأثیر می گذارد. ساختار شخصیتی و نوع ویژگی های شخصیت بر نوع روابط زوجین، تعاملات آنان با یکدیگر، رضایت زناشویی و ایجاد تفاهم در روابط زوجین تأثیرگذار است. بر پایه این عوامل هر کدام از زوجین با شناخت و آگاهی از ساختارهای شخصیتی یکدیگر می توانند احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر را در زندگی تجربه کنند. ساختار شخصیت هر زوج نسبت به عوامل آسیب رسان و استرس زا متفاوت است، بر همین اساس روابط زوجی ناکارآمد و پر هرج و مرج در زوجین دارای اختلال شخصیت، باعث ایجاد تعارضات زناشویی می شود. ویژگی های شخصیت از جمله عواملی است که بر میزان رضایتمندی از روابط زناشویی همسران اثرگذار می باشد. از آنجایی که ساختار شخصیت عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس زا مرتبط است، طبیعی است که برخی از ویژگی های شخصیت از ویژگی های دیگر در روابط انعطاف پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی انعطاف ناپذیر می باشند و همچنین کسانی که نمی توانند پاسخ های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت زندگی بوده و بدترین واکنش ها را به زندگی نشان می دهند.

همچنین در این راستا، دو خصوصیت برون گرایی یعنی مثبت اندیشی و انرژی زیاد احتمالاً به تعارض کمتر منجر می شود. نتیجه اینکه برون گرایی بعنوان یک عامل مثبت ممکن است در کارکردهای زناشویی و خانوادگی ایفای نقش کند و مانع از نارضایتی زناشویی و در نهایت طلاق شود. در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل گشودگی در برابر تجربه پیچیده ترین عامل و درک و شناسایی آن مشکل است، چرا که گشودگی در برابر تجربه فرد را هم در تجربه حالات هیجانی مثبت و هم حالات هیجانی منفی هدایت می کند و هر چقدر بالا باشد منجر به طلاق عاطفی کمتر می شود. توافق پذیری یکی دیگر از ویژگی های شخصیتی است که به تمایلات بین فردی اشاره دارد. افراد دارای نمره بالا در این بعد، ویژگی هایی همچون رک گویی، دیگرددوستی، همراهی، دل رحمی و تواضع دارند. چنین فرد سازش یافته ای دیگران را دوست دارد و به آنها کمک می کند، همچنان که باور دارد سایرین نیز به او کمک می کند. بنابراین توافق پذیری در

روابط زناشویی بعنوان یک عامل مثبت ایفای نقش می‌کند. بهترین توصیف برای بعد با وجدان بودن مفهوم اراده است و نیز این که با وجدان بودن با موفقیت شغلی، تحصیلی، تلاش برای منضبط بودن و باریک بینی همراه است. این افراد که معمولاً دارای تیپ شخصیتی A هستند ویژگی‌های خصومت و پرخاشگری و برانگیختگی هیجانی زیادی دارند. علاوه بر این ممکن است توجه به مسائل شغلی و تحصیلی و تلاش برای موفقیت باعث شود که فرد از کارکرد و نقش‌های زناشویی و خانوادگی غفلت کند. افراد روان‌رنجور، عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند. بعلاوه، بعد روان‌رنجورخویی در بردارنده انواع هیجان‌های منفی مانند ترس، غم، خشم و برانگیختگی است. این گونه افراد احتمال بیشتری دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند و قدرت کمتری در کنترل امیال و تکانه‌ها داشته باشند. این نوع رفتارها موجب می‌شود که زوجها قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و از درجه سازشی ضعیف تری برخوردار باشند. هر قدر میزان روان‌رنجورخویی در هر یک از زوجها بیشتر باشد رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می‌دهد و چنین رفتارهایی سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهد و باعث افزایش گرایش طلاق عاطفی می‌شوند. همچنین، روان‌رنجورخویی با سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد مانند خصومت، واکنش، خیالپردازی، سرزنش خود، تسکین، گوشه‌گیری، تفکر آرزومندانه، انفعال و تردید مرتبط است. این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا این افراد برای حل اختلافات خود در تعاملات زناشویی شان فعالیت مناسبی انجام ندهند و با فرار و اجتناب از مشکلات به سستی روابط خود دامن بزنند و باعث کاهش کیفیت زندگی زناشویی و افزایش طلاق عاطفی گردند.

همچنین یافته‌ها نشان داد صفت شخصیتی روان‌رنجورخویی با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار و صفات شخصیتی گشودگی در برابر تجربه و توافق پذیری با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های عباسی، رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۹)، اسلامی و شهبابی زاده (۱۳۹۱) و سبزچمنی (۱۳۹۹) همسو و همخوان می‌باشد. همچنین، در پژوهش حاضر، صفات شخصیتی برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با دلزدگی زناشویی رابطه معنادار ندارد که با نتایج پژوهش‌های قبلی همخوان نمی‌باشد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، افراد با صفت توافق پذیری نسبت به دنیای درونی و بیرونی بیشتر کنجکاو بوده و نسبت به افراد دارای ذهن بسته، توانایی درک و تعامل با همسر را دارند. لذا این ویژگی نقش مثبتی در روش‌های مقابله با مشکلات زندگی و نیز حفظ روابط صمیمی و نهایتاً مصونیت در برابر بروز دلزدگی زناشویی دارند. علاوه بر این، نمره بالا در روان‌رنجورخویی با بی‌ثباتی عاطفی و عواطف منفی مثل ترس و غم همراه است. لذا تمایل بیشتری به پرخاشگری و آسیب پذیری تحت تأثیر موقعیت‌های تنیدگی‌زا دارند. این افراد مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود می‌باشند و این مساله موجب ایجاد مشکل در روابط

زناشویی شده و در روابط خود احساس ناامنی و حسادت کرده و موجب دلزدگی زناشویی می شود. سازش پذیری از ویژگی های افراد برون گرا است. از آن جایی که برون گرایی با صمیمیت، قاطعیت، تحریک جویی، جمع گرایی و عواطف مثبت همراهی دارد نه تنها می تواند در روش های مقابله با مشکلات زندگی زناشویی مؤثر واقع گردد بلکه همچنین می تواند به مثابه منبع مؤثر بر پویایی و افزایش روابط صمیمی با همسر و نیز عامل مهمی در تأخیر و به عقب انداختن پیدایش و بروز دلزدگی زناشویی عمل نماید. افراد با ویژگی وظیفه شناسی افرادی قابل اعتماد، سخت کوش، منظم و با دقت هستند. ثبات و پایداری ازدواج در افراد با این ویژگی بطور معناداری بالا خواهد بود. افراد با ویژگی گشودگی در برابر تجربه دارای حس همکاری، کمک کننده، فداکار، درستکار و از خود گذشته اند. لذا به نظر می رسد با از خودگذشتگی می توان کیفیت روابط زناشویی را بالا برد و دلزدگی زناشویی را کاهش داد. بطور کلی، افراد با ویژگی های شخصیتی متفاوت و تفاوت های فردی که دارند در برابر موقعیت های زندگی، رفتارها و واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهند و این رفتار متفاوت، نتایج متفاوتی نیز به همراه دارد. همچنین، ویژگی های شخصیتی مختلف به عنوان منبع غنی از ظرفیت ها و منابع متفاوت جهت مقابله با مشکلات و تصمیم گیری های مهم برای حل مسائل زندگی از جمله دلزدگی زناشویی عمل می کند.

در این راستا، از محدودیت های این پژوهش ابتدا می توان به این اشاره کرد که مطالعه حاضر روی متقاضیان طلاق انجام شده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به جمعیت های دیگر محدودیت وجود دارد. محدودیت دیگر اینکه ماهیت مقطعی مطالعه حاضر، مانع استنتاج های علی و شناخت دقیق ماهیت واقعی روابط بین متغیرهای پژوهش می شود. احتمال زیادی وجود دارد که ترتیب زمانی شکل گیری متغیرها براساس مدل فرضی ارائه شده باشد؛ با وجود این، قطعاً نمی توان بر پایه این مطالعه حالت های جایگزین دیگر را رد کرد. همچنین در تعمیم نتایج به جمعیت های دیگر از لحاظ حجم نمونه، محدودیت سنی، مکانی و ویژگی های جمعیت شناختی مانند وضعیت اقتصادی اجتماعی محدودیت وجود دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می گردد به منظور افزایش ایجاد بسترهای ارتباطی مناسب در زمینه کمک به بهبودی روابط زوجین امکانات مناسب جهت آموزش های لازم در خصوص ارائه مهارت های ارتباطی و مهارت های حل مسئله و تنظیم هیجانات و آموزش های مختلف زوج درمانی در خصوص ارتقا سطح الگوهای ارتباطی زوجی و کیفیت زندگی در جهت بهبود سلامت روان زوجین بمنظور مواجهه با نوع تعارضات زناشویی ارائه شود. همچنین، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، به منظور استنتاج روابط علی و شفاف کردن توالی زمانی بین متغیرهای پژوهش، مطالعات طولی هم انجام پذیرد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی

افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر شهرهای کشور توسط پژوهشگران انجام و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

سپاسگزاری

از کارکنان و شرکت کنندگان شعبات دادگاه‌های خانواده تبریز که در این پژوهش همکاری نمودند، نهایت تشکر داریم.

تضاد منافع

بنابر اظهار نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی در این مطالعه و نشر آن وجود ندارد.

منابع

- Abbasi RA, Rasoulzadeh Tabatabaei SK. Marital Satisfaction and Individual Differences: The Role of Personality Factors. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2009 [cited 2022June23];3(3):237-242 [In Persian]
- Abdollahzadeh H. Relationship between personality traits (and other family factors) and marital satisfaction in couples of Damghan. *University of Tabriz*; 2004 [In Persian]
- Ahadi B. Relationship between Personality and Marital Satisfaction. *Contemporary Psychology*. 2007 [cited 2022June23];2(2 (4)):31-37 [In Persian]
- Amani A, Eisanejad O, Azizi, A. Study of the Structural Relations of Early Maladaptive Schemas, Personality Factors and Marital Adjustment. *Journal of Modern Psychological Researches*. 2015; 10(37): 45-70 [In Persian]
- Bayat Mokhtari C. The effectiveness of group reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences. *Ferdowsi University, Mashhad*; 2013 [In Persian]
- Bohannon P. "The six stations of divorce". In *Divorce and after An analysis of the emotional and social problems of divorce*, Edited by: Bohannon, P. New York: Doubleday; 1970
- Dehghani M, Esmailian N. Personality Characteristics, Early Maladaptive Schema and Family Function in Couples Initiating for Divorce Versus Non-Initiating Ones. *Journal of Family Research*. 2016; 12(4): 575-592 [In Persian]
- Donnellan MB, Conger RD, Bryant CM. The Big Five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*. 2004; 38(5): 481-504.

- Ebrahimi L. Prediction of the Tendency Toward Emotional Divorce based on Personality Traits, Metacognitive Beliefs and Emotional Maturity of Couples. QJCR. 2020; 19 (74) :36-61 [In Persian]
- Garoosi MT. [New approaches to personality assessment: Application of factor analysis in personality studies (Persian)]. Tabriz: Jamepazhoo; 2001 [In Persian]
- Gattman J, Silver N. Success or failure in marriage. Translate by Armaghan Jazayeri. Khojasteh Press; 2008 [In Persian]
- Gottman JM. The marriage clinic: A scientifically based marital therapy. W W Norton & Co; 1999
- Haghshenas H. Persian Version and Standardization of NED Personality Inventory-Revised. IJPCP. 1999; 4 (4) :38-48 [In Persian]
- Hajiani E, Haghghatian M, Keshavarz H, Yazdani A. An Analysis of Quality of Life among Emotional Divorced Women (Case Study: Shahrekord). The Socio Cultural Strategy Journal. 2013 [cited 2022June23];2(6):159-185 [In Persian]
- Hoyle RH. Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications. Sage Publications, Inc;1995.
- Islami A, Shahabizadeh F. Marital boredom pattern and personality traits. Quarterly Journal of Contemporary Psychology. 2012; Issue 7, pp.191-187 [In Persian]
- Jarvis MO. The long term role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin; 2006
- Khademi A, Valipour M, Moradzadeh Khorasani L, Neishabouri S. Relationship between personality traits and marital satisfaction and its components among the married couples. Journal of Applied Psychology 2015; 4(32): 95-109 [In Persian]
- Khosh Konesh A. Investigating the simple and multiple relationships of personality-cognitive and religious backgrounds with the feeling of happiness and the relationship between this variable and mental health and academic performance of students of Shahid Chamran University of Ahvaz. Shahid Chamran University, Ahvaz; 2007 [In Persian]
- Kiamehr J. Standardization of the Abridged Form of NEO.FFI and Validation of the Factor Structure of the Five Factor Inventory (Confirmatory Analysis) among Students of Faculty of Humanities. Allameh Tabataba'i University; 2002 [In Persian].

- Loehlin JC. Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis. Psychology Press; 2004.
- Mami Sh, Asghari M. The role of self-differentiation and attachment styles in predicting emotional divorce. Regional Conference on Divorce Pathology, Islamic Azad University, Saqez Branch; 2014 [In Persian]
- McCrae RR, Costa PT. Validation of the five-factor model of personality across instruments and observers.
- Mead N. Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples :An analysis of actor and partner effects. Master of Science. Marriage Family and Human Development school of Family Life; 2005
- Nasohian M. A comparative study of personality traits and attachment styles of couples at risk of divorce and normal couples in Isfahan. Master Thesis of Allameh Tabatabai University; 2012 [In Persian]
- Navidi F. Investigating and comparing the relationship between marital boredom and organizational climate factors in the staff of education departments and nurses of Tehran hospitals in 2005. Ministry of Science, Research and Technology - Shahid Beheshti University; 2005 [In Persian]
- Omidvari Y, Jokar Kamal Abadi, M, Pakizeh A. Comparison of personality traits in divorced and normal couples. International Conference on Psychology and Culture of Life; 2015 [In Persian]
- Pines AM. Teacher Burnout: A Psychodynamic Existential Perspective. Teachers and Teaching: Theory and Practice. 2002; 8: 121- 40.
- Pines AM. What can we do so that dream love does not lead to boredom? Translated by Fatemeh Shadab. Quds Press; 2002 [In Persian]
- Sabz Chamani S. Aimed to predict marital burnout based on thinking styles and personality traits in married students of Roudehen Azad University during the academic. JNIP. 2020; 4 (8) :1-11 [In Persian]
- Shakerian A, Fatemi A, Farhadian M. A survey on relationship between personality characteristics and marital satisfaction. SJKU. 2011; 16 (1) :92-99 [In Persian]
- Spangler WD, Palrecha R. The relative contributions of extraversion, neuroticism, and personal strivings to happiness. Personality and Individual Differences. 2004 Oct 1;37(6):1193-203.
- Trull TJ, Widiger TA. Dimensional models of personality: the five-factor model and the DSM-5. Dialogues Clin Neurosci. 2013;15(2):135-146.

- Watson D, Hubbard B, Wiese D. General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: evidence from self- and partner-ratings. *J Pers.* 2000;68(3):413-449.
- Yang SX, Jowett S, Chan DK. Effects of big-five personality traits on the quality of relationship and satisfaction in Chinese coach-athlete dyads. *Scand J Med Sci Sports.* 2015 Aug;25(4):568-80.

Causal Relationships of Personality Factors to Emotional Divorce: The Mediating Role of Couple Burnout

Mohammadreza Payam^۱

Majed Mahmoud Alilou^{۲*}

Marziyeh Alivandi Vafa^۳

Abstract

Personality traits are considered as effective factors in the occurrence or persistence of emotional divorce and couple burnout. Therefore, the aim of this study is to find the structural model of emotional divorce based on personality traits mediated by couple burnout. This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of research method. The statistical population of this study includes all divorce applicants in Tabriz metropolis. A total of 250 people were selected by purposive sampling method and Guttman's emotional divorce scale, personality factor questionnaire and couple burnout scale were administered to them. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equation modeling in SPSS software version 24 and LISREL version 8.80. The results showed that the dimension of extraversion had a significant negative relationship with emotional divorce and the dimension of neuroticism,

^۱ Ph.D. candidate in Psychology, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. m.r_payam@yahoo.com

^۲ Professor, Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran. m-alilou@tabriz.ac.ir
(Corresponding Author)

^۳ Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. dr.vafa.a@gmail.com

openness to experience and conscientiousness had a significant positive relationship with emotional divorce, but the dimension of agreeableness had no significant relationship with emotional divorce. On the other hand, the dimension of neuroticism has a significant positive relationship with couple burnout and the dimension of openness to experience and has a significant negative relationship with couple burnout, but the dimension of extraversion and conscientiousness has no significant relationship with couple burnout ($P < 0.01$). The results of structural equation model showed that personality traits have an effective role on emotional divorce and couple burnout ($P < 0.01$). The results of the structural equation model showed an acceptable model. Due to the increase in emotional divorce, a program can be developed to help direct or correct pathological personality traits before the formation and stabilization of these traits.

Keywords: Emotional divorce, couple burnout, personality factors